



Semantic Presuppositions Affecting Conceptualization “Ākhir Mā Nazal”

Maryam Soleymāni

Graduate of Master of Quranic Studies,
University of Quranic Theology and Awareness, Mashhad, Iran.

Elāhe ShāhPasand (corresponding author)

Associate professor in Quranic Studies,
University of Quranic Theology and Awareness, Mashhad, Iran
(shahpasand@quran.ac.ir).

Abstract

Examining the last verses revealed to the Holy Prophet of Islam (PBUH), which is known as "The last thing that come down", is one of the almost constant topics in the history of the *Qur'ān*. The multiplicity and difference of the sayings of the predecessors regarding the example of the last verse of the revelation is one of the reasons why this issue becomes more serious. The present article, by analyzing the earlier sources, has extracted the narrations related to the introduction of the last verse revealed to the Holy Prophet (PBUH) and has listed all the verses that have been introduced as the last verse revealed. With the hypothesis that the interpretive interpretations and in-text features of at least some of these verses have led to their being considered "The last thing that come down". In this article, those unique or common semantic features that have given rise to such an interpretation by those who believe in the last verse are highlighted by describing and analyzing the content of these verses. Implicit reference to the end of life as well as the issue of resurrection are among these presuppositions. Finally, it can be said that this hypothesis can be proved not absolutely, but relatively and case-by-case.

Keywords: Last verse of the house, revelation of the *Qur'ān*, verse of completion, verse of religion, interpretive presuppositions.

Original Research

Received: 24/ 5/ 2021, accepted: 1/ 9/ 2021, and published: 16/ 3/ 2022, Pages: 11-30.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی



پیش‌فرض‌های معنایی مؤثر بر مصداق‌یابی «آخِرُ ما نَزَلَ»

مریم سلیمانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

الهه شاه‌پسند (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

(shahpasand@quran.ac.ir).

چکیده

بررسی آخرین آیات نازل شده بر پیامبر گرامی اسلام (ص) که به «آخِرُ ما نَزَلَ» مشهور است، یکی از مباحث تقریباً ثابت منابع تاریخ قرآن محسوب می‌شود. تعدد و اختلاف اقوال پیشینیان در خصوص مصداق آخرین آیه نازله، از علل جدی‌تر شدن این مسأله است. این نوشتار، با این فرضیه که برداشت‌های تفسیری و ویژگی‌های درون متنی دست‌کم برخی از این آیات، منجر به تلقی «آخر ما نزل» بودن آن‌ها شده، تلاش کرده است با واکاوی منابع متقدم، روایات مربوط به معرفی آخرین آیه نازل‌شده بر رسول اکرم (ص) را استخراج نموده و تمام آیاتی را که به‌عنوان آخرین آیه نازله معرفی شده‌اند، فهرست نماید. آنگاه با توصیف و تحلیل مضمون این آیات، آن دسته از ویژگی‌های معنایی منحصر به فرد یا مشترک آن‌ها را که زمینه چنین برداشتی از سوی قائلان به آخرین آیه منزل بودن آن‌ها را فراهم آورده است، برجسته نماید. اشاره ضمنی به پایان وحی و نیز مسئله معاد از جمله این پیش‌فرض‌ها هستند. درنهایت می‌توان گفت این فرضیه به صورت نسبی و موردی، و نه مطلق، قابل اثبات است.

کلیدواژه‌ها: آخرین آیه منزل، نزول قرآن، آیه اکمال، آیه دین، پیش‌فرض‌های تفسیری.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳ ش، پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۰ ش، نشر: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ ش، صفحه ۱۱ تا ۳۰.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghd-e-aaraye.quran.ac.ir>>

DOI:

درآمد

شناخت اولین و آخرین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص)، یکی از مباحث تقریباً ثابت در کتب تاریخ و علوم قرآن است، چنان‌که به ندرت می‌توان کتابی در حوزه تاریخ و علوم قرآن یافت که باب سخن در این زمینه را باز نکرده باشد. گمان می‌رود یکی از علل این توجه، تعدد اقوال پیشینیان در خصوص معرفی اولین و آخرین آیات نازل شده بر پیامبر گرامی اسلام (ص) باشد.

شناخت اولین و آخرین آیات، از دیرباز یکی از دغدغه‌های دانشمندان علوم قرآن بوده است؛ از باقلانی (درگذشته ۴۰۳) که بابتی با عنوان «الکلام فی بیان الحکم فی أول ما نزل من القرآن و آخره و مکيه و مدنيه، و هل نصّ الرسول (ص) علی ذلک أم لا» در کتاب خود آورده (باقلانی، *الاتصار*، ۱/ ۲۳۶)، تا سیوطی (درگذشته ۹۱۱) که هر یک از «أول ما نزل» و «آخر ما نزل» را در یک نوع جداگانه (انواع ۷-۸) مطرح نموده است.

طرح مسئله

به نظر قاضی باقلانی هیچ‌یک از اهل علم ادعایی مبنی بر تصریح رسول خدا (ص) بر اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده از قرآن نکرده، ضرورتی برای دانستن آن قائل نشده و جهل به آن را مذمت ننموده‌اند، بل که آنچه به این عنوان معرفی شده اجتهادات صحابه و تابعان بوده است (باقلانی، *الاتصار*، ۱/ ۲۳۸). سیوطی نیز در خصوص تعدد اقوال پیشینیان حول معرفی آخرین آیات نازله، احتمال داده است که هر یک از آنها از آخرین آیه‌ای که به هنگام رحلت پیغمبر (ص) یا کمی پیش از بیماری ایشان از ایشان شنیده، خبر داده است؛ به این معنا که همان فرد، پس از آن چیز دیگری از آن حضرت نشنیده است. نیز احتمال داده است که آنها آخرین آیه‌ای را که رسول خدا (ص) تلاوت نموده است، به اشتباه به‌عنوان آخرین آیه نازله معرفی کرده باشند (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۴).

این نوشتار می‌کوشد با بررسی متن روایات مربوط به معرفی آخرین آیات نازله و نیز محتوای این آیات، پیش‌فرض‌های معنایی مؤثر در تعیین آن آیه به‌عنوان مصداق آخرین آیه نازل شده را باز یابد. به عبارت دیگر، هر یک از این روایان بر اساس چه برداشتی از آیه، آن را به‌عنوان

آخرین آیه معرفی کرده و پیش‌فرض‌های تفسیری چه تأثیری در انتخاب آن‌ها داشته است؟ و آیا در بین این آیات ویژگی مشترکی مشاهده می‌شود؟

به‌عنوان پیشینه‌ای از این مسأله، می‌توان به این موارد اشاره داشت: «آخرین نزول؛ مانده یا توبه؟ رهیافتی جدید به مسئله آخرین سوره نازل شده قرآن کریم»: زهرا کلباسی و امیر احمدنژاد، پژوهش‌های قرآنی (شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۴ ش، ص ۸۶-۱۱۱). مؤلفان این مقاله کوشیده‌اند با بررسی قرائن مختلف نشان دهند از بین سوره‌هایی که به‌عنوان آخرین سوره منزل معرفی شده‌اند، دیدگاه مربوط به سوره مانده قوی‌تر است. دو مقاله از احمد ابو زید با عنوان «اول ما نزل من الكتاب، إطلالة على الروایات والنصوص التاريخية» (رسالة الثقلین، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۸) و «اول ما نزل من الكتاب، إطلالات على محاولات التوفيق بين الإنزال والتنزيل» (رسالة الثقلین، شماره ۶۵-۶۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹) نیز به چاپ رسیده که به تعیین اول ما نزل بر اساس روایات و نصوص تاریخی پرداخته است. اما اثر حاضر به بررسی نقش پیش‌فرض‌های تفسیری بر تعیین مصداق آخرین آیه منزل می‌پردازد.

۱. نظریات مختلف در معرفی آخرین آیه

درباره آخرین آیه نازل شده میان دانشمندان علوم قرآن اختلاف نظر وجود دارد که غالباً در منابع اهل سنت بازتاب یافته‌اند. هر یک از این نظرات نیز به اخبار و روایاتی از صحابه و تابعین استناد می‌کنند. چنان‌که در سخن پیشین باقلانی از نظر گذشت، هیچ‌کدام از این اخبار، حدیثی که به رسول خدا (ص) برسد نیست. از نظر زرقانی، همین مسأله خود زمینه‌ای برای تعدد این اقوال بوده است (نیز بنگرید به: زرقانی، مناهل العرفان، ۱/۹۷).

۱-۱ آیات مختلف سوره بقره

آیات مختلف سوره بقره را مصداق آخرین آیه دانسته‌اند. برای نمونه، درباره آیه ۲۷۸ چنین

گفته‌اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا

باقی مانده است واگذارید.

این آیه به آیه ربا مشهور است، در نقل‌هایی از عمر بن خطاب (احمد بن حنبل، *المسند*، ۱/ ۳۶۱) و ابن عباس (بخاری، *الصحيح*، ۳/ ۵۹)، آخرین آیه نازل شده شمرده شده است. عمر در تأکید بر آخرین آیه بودن آیه ربا، می‌افزاید رسول خدا (ص) در حالی از دنیا رفت که هنوز این آیه را تبیین ننموده بود (احمد بن حنبل، *المسند*، ۱/ ۳۶۱).

فارغ از بررسی صحّت و یا سقم ادّعی‌ای اخیر، باید توجه داشت که در انتهای این خبر، عمر به‌عنوان نتیجه‌ای برای مقدمه پیش‌گفته می‌افزاید: «فَدَعُوا الرَّبَّاءَ وَالرَّبِيَّةَ» (احمد بن حنبل، *المسند*، ۱/ ۴۲۶)، یا «فَدَعُوا مَا يَرِيكُمْ إِلَىٰ مَا لَا يَرِيكُمْ» (دارمی، *السنن*، ۱/ ۲۴۶). صورت‌بندی این خبر به گونه‌ای است که نشان می‌دهد آخرین آیه خوانده شدن آیه ربا، مقدمه‌ای است برای بیان همین عبارت اخیر؛ به عبارت دیگر، عمر در مقام ملحق کردن حکم برخی موارد مشکوک، به حکم ربا (بنگرید به: ابن رجب، *فتح الباری*، ۳/ ۳۵۷)، مقدمتاً دلیل آن را آخرین آیه بودن آیه ربا و عدم تبیین آن از سوی نبی اکرم (ص) تعیین کرده است. علاوه بر این، با توجه به مضمون فقهی آیه و امر «فَدَعُوا» در بیان عمر، تأکید بر غیر منسوخ بودن حکم را نیز باید به مورد اخیر افزود.

درباره آیه ۲۸۱ سوره بقره نیز چنین گفته‌اند:

وَأْتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.

ترجمه: و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی [پاداش] آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

طبق نقل‌های ابوصالح از ابن عباس (ابن منذر، *تفسیر القرآن*، ۱/ ۶۵)، سدی (طبری، *جامع البیان*، ۶/ ۴۱)، و سعید بن جبیر (باقلانی، *الانتصار*، ۱/ ۲۴۵) آیه ۲۸۱ سوره بقره آخرین آیه نازل شده است. ماتریدی (درگذشته ۳۳۳) اعتقاد به این را که این آیه آخرین آیه منزل است، به عموم مفسران (عامّة أهل التأویل) نسبت داده است (ماتریدی، *تأویلات اهل السنه*، ۲/ ۲۷۳). درباره این که فاصله نزول این آیه تا رحلت نبی اکرم (ص) چند روز بوده است نیز نظرات متفاوت است؛ هفت روز، نه روز، بیست و یک روز، و هشتاد و یک روز اقوالی است که در این زمینه مطرح شده است (بنگرید به: بیهقی، *دلائل النبوه*، ۷/ ۱۳۷؛ ثعلبی، *الکشف و*

البیان، ۲/ ۲۹۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲/ ۶۷۷؛ واحدی، اسباب النزول، ۱۶). قائلان به ۸۱ روز فاصله بین نزول این آیه و رحلت پیامبر اکرم (ص) معتقدند این آیه در منا نازل شده است (بنگرید به: سیوطی، الدر المنثور، ۲/ ۱۱۶). طبق برخی از همین اخبار، پیامبر اکرم (ص) به دستور جبرئیل این آیه را بعد از آیه دویست و هشتماد این سوره قرار داده است (بغوی، معالم التنزیل، ۱/ ۳۹۲).

نمونه دیگر از همین قبیل، آیه دین یعنی آیه ۲۸۲ سوره بقره است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا...».

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او [نویسنده] بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد.

در نقلی از سعید بن مسیب، آیه دین آخرین آیه منزل (أحدث القرآن بالعرش) شمرده شده است (طبری، جامع البیان، ۶/ ۴۱). در نقل ابن شهاب، آیه ربا و دین با همان تعبیر سعید، آخرین آیات شمرده شده‌اند (ابوعبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ۳۶۹).

۲-۱) آیات سوره نساء

درباره دو آیه از سوره نساء نیز چنین ادعائی مطرح شده است. یکی از آن دو آیه ۹۳ از این

سوره است:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا.

ترجمه: و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.

از سعید بن جبیر نقل شده است: اهل کوفه درباره آیه‌ای اختلاف داشتند، در آن زمینه به ابن عباس مراجعه کردم و از او پرسیدم، گفت: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ» آخرین آیه منزل است و چیزی آن را نسخ نکرده است (بخاری، *الصحیح*، ۶/ ۴۷). زرقانی مدعی است که برخی این آیه را با استناد به این روایت، آخرین آیه به طور مطلق می‌دانند (زرقانی، *مناهل العرفان*، ۱/ ۹۸). در حالی که چنان‌که از صورت‌بندی خبر برمی‌آید، طرح مسئله آخرین آیه بودن، مقدمه‌ای برای طرح مسئله عدم نسخ آیه است. مؤید این برداشت، اخبار دیگری از ابن عباس است که تنها به عدم نسخ این آیه اشاره داشته است (بخاری، *الصحیح*، ۶/ ۱۱۰). بنابراین مقصود آخرین آیه مربوط به مجازات قتل عمدی مؤمن است نه آخرین آیه به طور مطلق. سیوطی و زرقانی نیز معتقدند مقصود این است که این آیه آخرین آیه در موضوع خودش است و آیه دیگری آن را نسخ نکرده است، نه آنکه مطلقاً آخرین آیه باشد (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۱۸؛ زرقانی، *مناهل العرفان*، ۱/ ۹۹).

آیه کلاله را نیز مصداق آخر ما نزل دانسته‌اند:

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرُؤًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِيثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتْ أُثْتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نساء/ ۱۷۶).

ترجمه: از تو [در باره کلاله] فتوا می‌طلبند؛ بگو: «خدا درباره کلاله فتوا می‌دهد: اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، و خواهری داشته باشد، نصف میراث از آن اوست. و آن [مرد نیز] از او ارث می‌برد، اگر برای او [خواهر] فرزندی نباشد. پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند، دو سوم میراث برای آن دو است، و اگر [چند] خواهر و برادرند، پس نصیب مرد، مانند نصیب دو زن است. خدا برای شما توضیح می‌دهد تا مبدا گمراه شوید، و خداوند به هر چیزی داناست.

در نقلی از براء بن عازب این آیه آخرین آیه نازل شده شمرده شده است (ابن‌ابی‌شیبیه، *المصنف*، ۱۴۷/۶؛ بخاری، *الصحيح*، ۵۰/۶؛ مسلم، *الصحيح*، ۱۲۳۶/۳).

(۳-۱) دیگر آیات

افزون بر موارد یادشده، آیات دیگری نیز هستند که واجد وصف آخر ما نزل دانسته شده‌اند. مثلاً، درباره آیه ۱۹۵ سوره آل عمران چنین گفته‌اند:

فاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ...

ترجمه: پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که:] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباہ نمی‌کنم؛ ...

در نقلی که مجاهد از ام سلمه داشته است، این آیه آخرین آیه منزل شمرده شده است (ابن‌کثیر، *تفسیر القرآن العظيم*، ۱۹۰/۲). نقل دیگری از ام سلمه درباره این آیه وجود دارد که طبق آن، وی به پیامبر (ص) می‌گوید نمی‌شنوم که خداوند در مورد هجرت از زنان یادی کرده باشد! و خداوند این آیه (آل عمران/ ۱۹۵) را نازل نمود (حمیدی، *المسند*، ۱/ ۳۱۰). سیوطی بعد از ذکر تحریری از خیر اخیر ام سلمه که طبق آن سه آیه درباره زنان نازل شده است، می‌گوید: آیه ۱۹۵ آل عمران در بین این سه آیه آخرین آیه است، یا آخرین موردی است که بعد از آنچه در خصوص مردان نازل شده بود نازل شده است (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۵). در واقع، سیوطی از طریق تبیین مقصود گوینده مشکل را حل می‌کند؛ به این ترتیب که مقصود گوینده از «آخرین آیه» مطلق نبوده، بل که این آیه را به صورت نسبی و یا در موضوعی خاص آخرین آیه معرفی کرده است.

آیه اکمال در سوره مائده نیز هم‌چون آخرین آیه قرآن یاد شده است:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ... (مائده/ ۳).

ترجمه: امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.

یعقوبی در *تاریخ* خود آورده است: گفته‌اند که آخرین آیه نازل شده بر پیغمبر اکرم (ص) این

آیه بود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ آنگاه ادامه می‌دهد: و همین گفتار نزد ما صحیح و استوار است (یعقوبی، *التاریخ*، ۴۳/۲). یعقوبی مشخص نکرده است که بر اساس کدام روایت چنین ادعایی داشته است. در میان متأخران نیز برخی چون معرفت با استناد به همین گزارش به این قول معتقد شده‌اند (معرفت، *علوم قرآنی*، ۷۸). این در حالی است که بررسی تفاسیر متقدم روایی شیعه تا این اندازه نشان می‌دهد که محتوای این آیه مشتمل بر آخرین فریضه منزل است، نه این‌که آیه سوم سوره مانده آخرین آیه منزل باشد؛ در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «آخرین فریضه‌ای که خداوند نازل فرمود، ولایت بود» (قمی، *التفسیر*، ۱/۱۶۲؛ عیاشی، *التفسیر*، ۱/۲۹۲).

اما در جستجوی این مسأله در منابع اهل سنت، طبق خبری که عمرو بن قیس نقل کرده است، معاویه آیه ۳ مانده را بر منبر خواند و گفت این در روز عرفه در جمعه نازل شده است، آنگاه آیه ۱۱۰ کهف را تلاوت کرد و گفت این آخرین چیزی است که نازل شده است (طبرانی، *مسند الشامیین*، ۳/۳۹۶). گویا به دلیل وجود همین گونه قرائن دال بر نزول آیه در حجة الوداع است که ابن عادل (درگذشته ۷۷۵) این آیه را در کنار برخی دیگر از آیات، در «فصل فی آخر ما نزل علی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْقُرْآنِ» آورده و نزول همه را در زمان حج پیامبر (ص) دانسته است (ابن عادل، *اللباب*، ۴/۴۷۳).

درباره آیات ۱۲۸-۱۲۹ سوره توبه هم چنین گفته‌اند:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ * فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

ترجمه: قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. پس اگر روی برتافتند، بگو: "خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

در نقلی از ابی بن کعب آیه ۱۲۸ سوره توبه، آخرین آیه منزل شمرده شده است (احمد بن حنبل، *المسند*، ۳۵/۴۲؛ طبری، *جامع البیان*، ۱۴/۵۸۸). در برخی از همین نقل‌ها، دو آیه

۱۲۸ و ۱۲۹ آخرین آیات شمرده شده‌اند (ابن‌ابی‌حاتم، *تفسیر القرآن العظیم*، ۶/۱۹۱۹). این در حالی است که در نقطهٔ مقابل گفته می‌شود این دو آیه در مکه، و دیگر آیات سورهٔ توبه در مدینه نازل شده‌اند (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۲/۲۰۵). لذا به نظر می‌رسد مقصود راوی از این خبر آخرین آیه‌هایی باشد که در مکه نازل شده‌اند. مگر آنکه بگوییم ملاک مکی و مدنی در قول اخیر، مکانی است و مقصود نقل ابی، نزول این آیه بعد از هجرت و در حجة الوداع است.

آخرین آیه از این قبیل آیهٔ ۱۱۰ سورهٔ کهف است:

... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

ترجمه: پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

از معاویه بن ابی‌سفیان نقل شده است که این آیه آخرین آیه‌ای است که از *قرآن* نازل شده است (طبری، *جامع البیان*، ۱۸/۱۳۶). مکی بن ابی‌طالب قیسی بعد از نقل این خبر می‌گوید: مقصودش آخرین آیهٔ مکی است؛ چراکه سورهٔ کهف مکی است (مکی بن ابی‌طالب، *الهدایه*، ۶/۴۴۸۶).

۲. سبب اختلاف و راه‌کار غلبه بر آن

بی‌گمان عواملی در ایجاد این تنوع آراء دخیل بوده‌اند. اکنون بنا داریم دربارهٔ این عوامل بحث کنیم.

۲-۱) درک نادرست منظور از «آخرین»

یکی از این عوامل، عدم توجه راویان یا افراد پس از آن‌ها به مقصود گویندهٔ اولیه است؛ به این معنا که مقصود او از «آخرین»، آخرین آیه به طور مطلق نبوده است. بل که آن را با در نظر گرفتن موضوع آیه و یا در قیاس با دیگر آیات بیان کرده است. منظور از قید موضوع این است که مقصود راوی یا راویان اولیه، آخرین آیهٔ نازل شده در موضوعی خاص بوده است، اما راویان بعدی از آن اطلاق برداشت کرده‌اند؛ برای نمونه، در روایات معرفی آیهٔ کلاله به‌عنوان آخرین آیه، محتمل است مفاد اخبار مذکور حاکی از معرفی آخرین آیه نازل شده دربارهٔ اربث بوده باشد. بنابراین، آخرین آیه در این خبر نسبی است (زرقانی، *مناهل العرفان*، ۱/۹۹). عدم توجه

به قید «عدم نسخ» در روایات مربوط به آیه ۹۳ نساء نیز منجر شده است برخی به اشتباه آن را آخرین آیه بدانند، در حالی که توجه به این قید نشان می‌دهد مقصود آخرین آیه‌ای است که در باب قتل مومن نازل شده و آیه دیگری آن را نسخ نکرده است.

گاه نیز مقصود گویندگان اولیه از «آخرین آیه»، به صورت تقریبی و در قیاس با برخی آیات دیگر بوده است؛ به عنوان مثال، از نظر زرقانی دیدگاهی که قائل به خاتمیت آیات انتهایی سوره توبه است، قابل نقض است؛ چرا که می‌توان فرض کرد که منظور آخرین آیه از سوره برائت است و نه آخرین آیه به مفهوم مطلق. وی قولی که این دو آیه را برخلاف دیگر آیات سوره برائت مکی می‌داند، مؤید این نقض معرفی می‌کند و احتمال می‌دهد این فرموده خداوند سبحان: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ...» (توبه/ ۱۲۹)، از آن جهت که در آن به جهاد با دشمنان امر نشده، مؤید مکی بودن آن است (زرقانی، *مناهل العرفان*، ۱/ ۹۹). نمونه دیگر روایات ناظر به خاتمیت آیه ۱۹۵ سوره آل عمران است که به نظر بیشتر علما مقصود این بوده که این آیه، آخرین آیه از آیات سه‌گانه‌ای است که در یک واقعه نازل شدند و یا آخرین آیه‌ای است که بعد از آیات مختص به مردان نازل شده است (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۵).

۲-۲) راه‌حل‌های مفسران

برای جمع بین اقوال پیش‌گفته تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما همچنان اتفاق نظری در این خصوص وجود ندارد؛ برای نمونه، یکی از نتایج این تلاش‌ها، جمع بین سه قول اول بوده است. سیوطی معتقد است هیچ‌گونه تضادی میان روایات مربوط به سه قول اول وجود ندارد؛ چرا که ظاهراً همانند ترتیستان در مصحف، به یک باره نازل شده‌اند، ماجرای آن‌ها نیز یکی است؛ لذا هرکس از برخی از آن‌ها به‌عنوان آخر ما نزل یاد کرده است (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۲). گرچه نظر اخیر سیوطی قابل قبول می‌نماید، اما همراه بودن این سه آیه در نزول، با ظاهر خبری که تصریح داشت محل درج آیه ۲۸۱ بقره توسط جبرئیل به پیامبر (ص) ابلاغ شده و پس از آیه ۲۸۰م تعیین شده است، منافات دارد.

پس از جمع بین اقوال، ترجیح یکی از اخبار به دلیل وجود برخی مرجحات در آنها، راه‌کار دوم رویارویی با آن‌ها بوده است. برای نمونه، کثرت روایان و تعدد طرق نقل از صحابی، یکی از این مرجحات بوده است؛ چه این‌که آخرین آیه بودن آیه ۲۸۱ سوره بقره با طرق مختلفی

روایت شده و در میان روایات ناظر به معرفی آخرین آیه دارای بیش‌ترین طرفدار است (طبری، *جامع البیان*، ۶/ ۳۹-۴۱؛ سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۲).

همراهی برخی روایات با بعضی قرائن متنی نیز یکی دیگر از این مرجّحات است؛ برای نمونه، در روایات مربوط به آخرین آیه بودن آیه ۲۸۱ سوره بقره، قید مدّت زمان حیات پیامبر (ص) پس از نزول این آیه وجود دارد، در حالی که دیگر روایات فاقد چنین قیدی هستند. تعیین محل قرار گرفتن آیه ۲۸۱ پس از آیه ۲۸۰ ام سوره نیز مؤید این مسأله است که دست‌کم در بین آیات سه گانه مورد نظر، آیه ۲۸۱ متأخرترین بوده است. و یا در مورد آیه ربا نیز مشاهده می‌شود در برخی تحریرهای این دسته از روایات، توضیحات بیشتری داده شده و اشاراتی به رحلت پیامبر (ص) قبل از تفسیر این آیه شده است که ظاهراً همین اشاره کافی بوده تا عده‌ای به آخرین آیه بودن آیه ربا یقین پیدا کنند.

به هر حال، آنچه برای این مقاله اهمیّت دارد، این است که درباب عوامل وقوع این اختلاف به طور کلی، و پیش فرض‌های معنایی مؤثر در آن به طور خاص چه بوده است.

۳. انتظار مفسران از مضمون آخرین آیه

افزون بر موارد یادشده، به نظر می‌رسد پیش فرض‌های مفسران هم تأثیر مهمی بر درک‌شان از آخرین آیه نازل‌شده داشته است. خاصه انتظارات مفسران از مضمون آخرین آیه از جمله پیش فرض‌های مؤثر در رأی به آخرین بودن یک آیه است. صرف‌نظر از ویژگی‌های روایات، به نظر می‌رسد وجود برخی خصوصیات محتوایی در این آیات، در تعیین آن‌ها به‌عنوان آخرین آیه نازل‌شده مؤثر بوده است.

۳-۱) تأکید بر کلیدی‌ترین مفاهیم دینی

یکی از انتظارات مفسران از آخرین آیه تأکیدش بر کلیدی‌ترین مفاهیم دین است. از نظر برخی مفسران آیه‌ای آخرین معرفی شده که بر مسئله معاد مشتمل باشد. در میان اقوال یادشده، آیات ربا، آیه ۱۹۵ آل عمران، ۹۳ سوره نساء و ۱۱۰ سوره کهف مشتمل بر مضامین مرتبط با مسئله معاد هستند. در مضمون این آیات، وعده عذاب، گونه‌ای اتمام حجّت نسبت به ادامه اعمال زشت را تداعی می‌کند که می‌تواند در آخرین آیه دانستن آن‌ها مؤثر باشد. در امور جاری

زندگی دنیوی نیز انتهای هر عملی با دریافت نتایج حاصل از آن به اتمام می‌رسد و این می‌تواند تداعی کننده آخرین آیه بودن این آیات باشد.

برخورداری از مضمون توحیدی نیز در پشت زمینه انتخاب برخی مفسران جلب نظر می‌کند. مثلاً، از نظر سیوطی، ختم کلام خداوند با جمله «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» در آیه آخر سوره توبه، دلالت یقین آوری بر آخرین آیه بودن آن به طور مطلق دارد؛ چرا که خداوند کلامش را با چیزی ختم فرموده که با آن آغاز نموده است. وی آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/ ۲۵) را نیز به عنوان دلیل بر مدعای خود مطرح کرده است (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۰۳). منظور او از استدلال به آیه اخیر این است که نخستین محتوای وحی شده به پیامبران، یگانگی خداست، پس آخرین محتوان نیز همین خواهد بود و لذا اساس دین توحید است.

۳-۲) دلالت بر کمال و جامعیت

دلالت مضمون آیه بر کامل شدن دین هم به نظر می‌رسد از عوامل مؤثر بر انتخاب مفسران بوده است. مثلاً سخن از پایان کار رسالت و کامل شدن دین در آیه اکمال، قرینه‌ای برای آخرین آیه بودن آن دانسته شده است. معرفت در این زمینه می‌گوید:

سوره مائده در سال دهم هجرت (سال حجة الوداع) نازل شده است. علاوه بر آن، سوره مائده مشتمل بر یک سری احکام است که پایان جنگ و استقرار اسلام را می‌رساند. به ویژه آیه اکمال که از پایان کار رسالت خبر می‌دهد و با آخرین آیه در آخرین سوره تناسب دارد. پس آخرین سوره کامل سوره نصر است که در عام الفتح نازل شد و آخرین آیه که پایان کار رسالت را خبر می‌دهد، آیه اکمال است» (معرفت، *علوم قرآنی*، ۷۸).

این دیدگاه به طور پیش فرض دین را یک کلّ در نظر می‌گیرد که اجزای آن آیات قرآن هستند. در این صورت، طبعاً با تکمیل آیات به وسیله نزول آخرین آیه، دین نیز کامل می‌شود.

جامعیت در تبیین اصول دین را نیز می‌توان معیار دیگر مفسران برای چنین انتخابی برشمرد. مثلاً آیه ۱۱۰ سوره کهف در بردارنده مضامین رفیعی است که برای هر مخاطبی در هر سطحی از مراتب فضل که باشد، جالب و تفکربرانگیز است؛ از این روست که برخی آن را جامع و

خلاصه علم و عمل که همان توحید و اخلاص در طاعت است خوانده‌اند (کاشانی، *منهج الصادقین*، ۵/ ۳۷۵). از نظر طباطبایی، با بررسی بن‌بند این آیه، مفاهیم اصول دین قابل استنباط است و اصول سه‌گانه دین یعنی توحید، نبوت و معاد در آن جمع شده است (طباطبایی، *المیزان*، ۱۳/ ۴۰۵). این مسأله، در تعیین این آیه به‌عنوان آخرین آیه نازل شده بی‌تأثیر نیست. گویی قرار است آخرین آیه عصاره مفاهیم عمده عقیدتی *قرآن* را به‌عنوان حسن ختام ارائه دهد.

۳-۳ دلالت بر مضمونی پایان‌بخش

اشاره ضمنی آیه به پایان وحی از نظر برخی مفسران حاکی از آن دانسته شده که آیه آخرین است. مثلاً از نظر زرقانی، اشاره ضمنی به پایان وحی در آیه «وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (بقره/ ۲۸۱)، به واسطه ارائه مفاهیمی چون آماده شدن برای روز معاد، و توجه دادن به بازگشت به سوی خداوند و اعطای پاداش عادلانه به دور از ضرر و ظلم، دلیلی منطقی برای آخرین آیه دانستن آن است؛ به طوری که آن را از آیات الاحکامی که در سیاق آن آمده‌اند، برای خاتمه وحی مناسب‌تر دانسته است (زرقانی، *مناهل العرفان*، ۱/ ۹۸). وجود قیدهای «اتَّقُوا» و «وَلِيَتَّقِ ... وَأَتَّقُوا ...» در آیات ربا (بقره/ ۲۷۸) و دین (بقره/ ۲۸۲) نیز مضمونی مشابه با آیه ۲۸۱ بقره را تداعی می‌کند. می‌توان تصوّر کرد که چنین مضامینی در این آیات موجب ایجاد ذهنیت آخرین آیه منزل بودن آن‌ها یا نزول هم‌زمانشان به‌عنوان آخرین آیات شده باشد.

به همین ترتیب، گاه برخی مفسران هم نسخ نشدن حکم آیه را ملاک آخرین بودن دانسته‌اند. چنان‌که در برخی از اخبار مربوط به آیه ۹۳ نساء آمده است، برقرار بودن حکم آیه و عدم نسخ آن، یکی از دلایل راویان برای آخرین آیه منزل شمردن آن بوده است (بخاری، *الصحيح*، ۶/ ۴۷). در واقع، آن‌ها برای این‌که بگویند حکم آیه همچنان با همان کلیت و اطلاق خود جاری است، از این تعبیر استفاده کرده‌اند؛ چراکه پیش فرضشان این بود که آیه ناسخ باید در نزول نسبت به منسوخ تأخر داشته باشد؛ پس این جمله که فلان آیه، آخرین آیه منزل است و چیزی آن را نسخ نکرده است، تأکیدی است بر این‌که پس از آن ناسخی نازل

نشده است و بر معرّفی آخرین آیه وحی شده بر رسول اکرم (ص) صراحتی ندارد.

۳-۴) دشواری فهم مضمون آیه

در موردی مثل آیه ربا، دشوار بودن مضمون آیه یا دشواری شناخت مصادیق برخی مفاهیم موجود در آن، گرایش به آخرشماری آن از سوی برخی را ایجاد کرده است؛ چراکه در این صورت امکان طرح این مسأله را داشتند که پیامبر اکرم (ص) فرصت تبیین آن را نیافته و همین دلیل ابهام آن‌ها ست. در مورد آیه کلاله نیز همین دلیل قابل طرح است؛ چراکه طبق برخی اخبار، مقصود این آیه برای برخی صحابه دشوار بوده است؛ چه این که طبق منابع اهل سنت، سوالات متعدّد عمر از پیامبر اکرم (ص) درباره کلاله، خشم پیامبر اکرم (ص) را برانگیخته است؛ وی گاه خودش و گاه به واسطه حفصه درباره این آیه از پیامبر اکرم (ص) پرسش‌هایی داشته است که نشان از دشواری این موضوع برای برخی از صحابه دارد (بنگرید به: احمد بن حنبل، *المسند*، ۱/ ۴۲۰؛ صنعانی، *المصنف*، ۱۰/ ۳۰۵).

نتیجه

درباره مصداق آخرین آیه نازل شده، میان دانشمندان علوم قرآن اختلاف نظر وجود دارد، اما هیچ‌یک از این آراء مبتنی بر نصّی از رسول خدا (ص) نیست. بنابراین، می‌توان با اعتقاد به این که این دیدگاه‌ها محصول اجتهادات صحابه است، به بررسی پیش فرض‌های معنایی مؤثر در تعیین آن‌ها به‌عنوان آخرین آیات منزل پرداخت. اشاره ضمنی به پایان وحی، اشتغال بر مسئله معاد، کامل شدن دین، مضامین توحیدی، جامعیت معنایی آیه، عدم نسخ حکم آیه و دشواری فهم معنا و مصداق آن برای صحابه، از جمله زمینه‌هایی است که موجب تعیین این آیات به‌عنوان آخرین آیات منزل شده است. اما نمی‌توان این زمینه‌ها را دلایل تام شمرد؛ چراکه برخی از این ویژگی‌ها، در بعضی دیگر از آیات قرآن نیز قابل مشاهده هستند. در نتیجه، تعدّد این اقوال نباید باعث شود که همه آن‌ها را یکسره فاقد جنبه تاریخی بشماریم، بل که برخی از آن‌ها به دلیل همراه شده با برخی قرائن تاریخی، از بقیه پررنگ‌تر شده‌اند. مانند آخرین آیات سوره بقره که علاوه بر معنای آنها، در انتهای بزرگترین سوره مدنی قرار دارند و در نتیجه، این دیدگاه بنا بر فرض ادامه نزول برخی آیات این سوره تا اواخر دوره مدینه، نسبت به دیگر دیدگاه‌ها طرفداران بیشتری پیدا کرده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم، اصل عربی؛ نیز، ترجمه فارسی محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- ۲- ابن عادل، عمر بن علی، *اللباب فی علوم الكتاب*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، دار طیبه، ۱۴۲۰ق.
- ۴- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
- ۵- ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، *المصنف*، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
- ۶- ابن رجب، عبدالرحمان بن احمد، *فتح الباری*، مدینه، مکتبه الغرباء الأثریه، ۱۴۱۷ق.
- ۷- ابن منذر، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن*، مدینه، دار المآثر، ۱۴۲۳ق.
- ۸- ابو عبید قاسم بن سلام، *فضائل القرآن*، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
- ۹- احمد بن حنبل، *المسند*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- ۱۰- باقلانی، محمد بن طیب، *الانتصار للقرآن*، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۲ق.
- ۱۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحيح*، بیروت، دار طوق النجات، ۱۴۲۲ق.
- ۱۲- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۳- بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- ۱۴- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- حمیدی، عبدالله بن زبیر، *المسند*، دمشق، دار السقا، ۱۹۹۶ق.
- ۱۶- دارمی، عبدالله، *السنن*، ریاض، دارالمغنی للنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ق.
- ۱۷- زرقانی، محمد عبدالعظیم بن عبدالباقی، *مناهل العرفان*، قاهره، مطبعة عیسی البابی الحلبی وشركاه.
- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الاتقان*، قاهره، هیئته المصریه العامه للكتاب،

۱۳۹۴ق.

- ۱۹- _____ الدر المنثور، بیروت، دارالفکر.
- ۲۰- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت، المكتبة الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۱- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ق.
- ۲۲- طبرانی، سلیمان بن احمد، مسند الشامیین، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ق.
- ۲۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۰ق.
- ۲۵- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰ق.
- ۲۶- قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، قم، دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
- ۲۷- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین، تهران، اسلامیه، ۱۳۱۳ش.
- ۲۸- ماتریدی، تأویلات اهل السنه، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
- ۲۹- مسلم بن حجاج، الصحيح، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۰- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، مؤسسة فرهنگي التمهید، ۱۳۸۱ش.
- ۳۱- مقاتل بن سلیمان، التفسیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- ۳۲- مکی بن ابی طالب، الهدایة الی بلوغ النهایه، شارجه، کلیة الشریعة والدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۹ق.
- ۳۳- واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- ۳۴- یعقوبی، احمد بن اسحاق، التاریخ، بیروت، دار صادر.

Bibliography

1. The Holy *Ḳurʿān*, Original Arabic, and also the persian translation by Muḥammad Mahdī Fūlādvand, Tehrān, History Studies and Islamic Cognitions Office, 1376 SAH.
2. ʿAyyāshī, Mūḥammad b. Masʿūd, *al-Tafsīr*, Tehran, Islāmīyya, 1380 SAH.
3. Abu ʿUbayd Qāsīm b. Sallām, *Faḍāʾil al-Qurān*, Beirut, Dār Ibn Kathīr, 1415AH.
4. Aḥmad b. Ḥanbal, *al-Mūsnaḍ*, Beirut, Mūassesatol rīsāla, 1421 AH.
5. Baghawī, Ḥusayn b. Masʿūd, *Maʿālim al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyāʾ at-Turāth al-ʿArabī, 1420 AH
6. Bāqīlānī, Muhammad b. Ṭayyeb, *al-Intīṣār lil Qurān*, Beirut, Dār Ibn Ḥazm, 1422 AH.
7. Beyhaqī, Aḥmad b. Ḥusayn, *Dalaʾil al-Nubuwwah*, Beirut, Dār alkutub al-ʿilmīyah, 1405 AH.
8. Būkhārī, Mūḥammad b. Īsmāʾīl, *al-Saḥīḥ*, Beirut, Dār Ṭawq al-Najāh, 1422 AH.
9. Dārīmī, ʿAbdullāh, *al-Sunan*, Riāḍ, Dārolmoqnī lil nashr wa al-Tawzīʿ, 1412 AH
10. Ḥomaydī, ʿAbdullāh b. Zūbayr, *al-Mūsnaḍ*, Damascus, Dār al-Sāqaʾ, 1996 AH.
11. Ibn ʿĀdil, ʿOmar b. ʿAlī, *al-Lūbāb fī ʿUlūm al-Kitāb*, Beirut, Dār Al-Kotob al-ʿelmīa, 1419 AH.
12. Ibn Abī Ḥātim, ʿAbdur-Rahmān b. Muḥammad, *Tafsīr al-Ḳurʿān al-ʿAẓīm*, Mecca, Maktabat Nizār Mustafā Al-Bāz, 1419 AH.
13. Ibn Abī Shayba, ʿAbdullāh b. Muḥammad, *al-Muṣannaf*, Riyāḍ, Maktabat al-Ruṣhd, 1409 AH
14. Ibn Kathīr, Ismāʿīl b. ʿUmar, *Tafsīr al-Ḳurʿān al-ʿAẓīm*, Riyāḍ, Dār Ṭayyiba, 1420 AH.
15. Ibn Mūndhir, Mūḥammad b. Ībrāhīm, *Tafsīr al-Qurān*, Medina, Dār al-maʿāthīr, 1423 AH.
16. Ibn Rajab, ʿAbdorRḥmān b. ʿAhmad, *Fath al-Bārī*, Medina, Maktabatol Qurabāʿ al-ʿatharīa, 1417 AH.
17. Kāshānī, Faṭḥollāh b. Shukrullāh, *Menhaj al-Sādeqīn*, Tehran,

- Islāmīyya, 1313 SAH.
- 18_ M'avefat, Muhammad Hādī, '*Ūlūm Qurānī*, Tamhīd Publication, 1381 SAH.
 - 19_ Makkī b. abī tāleb, '*al-Hidāyat ilā Bulūq al-Nabāye*, Shārje, Kullīyato sharī'a wa al-derāsāt al-Islāmīyya, 1429 AH.
 - 20_ Māturidī, 'Ābū Manšūr, '*Ta'wīlāt Abl al-Sunnab*, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1426 AH.
 - 21_ Muqātil b. Sulaymān, '*al-Tafsīr*, Beirut, Dār Ihya' at-Turāth, 1423 AH.
 - 22_ Mūsīm b. al-HaJJāj, '*al-Ṣaḥīḥ*, Beirut, Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī
 - 23_ Qomī, 'Āli b. Ībrahīm, '*al-Tafsīr*, Qom, Dār al-kītab, 1363 SAH.
 - 24_ Ṣan'anī, 'AbdulRazzāq b. Humām, '*al-Mūṣannaf*, Beirut, al-maktab al-islāmī, 1403 AH.
 - 25_ Suyūṭī, 'AbdurRahmān b. AbīBakr, '*al-Itqan*, Cairo, al-haya't al-mesrīyal al-'Āmma lil kītab, 1394 AH.
 - 26_ _____ '*al-Durr al-Mantḥūr*, Beirut, Dārul Fikr
 - 27_ Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, '*Musnad al-Shāmūn*, Mo'assīssa al-Rīsāla, 1405 AH.
 - 28_ Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, '*Jāmi' al-Bayān*, Mo'assīssa al-Rīsāla, 1420 AH.
 - 29_ Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, '*Majma' al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow, 1372 SAH.
 - 30_ Ṭabāṭabāyī, MuḥammadHoseyn, '*al-Mīzān*, , Beirut, A'lamī, 1390 SAH.
 - 31_ Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad, '*al-Kashf wa al-Bayān*, Beirut, Dār Ihya' At-Turāth al-'Arabī, 1422 AH.
 - 32_ Wāhīdī, 'Alī b. Aḥmad, '*Asbāb al-Nuzūl*, Dār al-kutub al-'elmīya, 1411 AH.
 - 33_ Ya'qūbī, Aḥma b. Ishāq, '*al-Tārīkh*, Beirut, Dār Ṣād.
 - 34_ Zurqānī, Muḥammad 'Abdol'Azīm b. 'abdolbāqī, '*Manābil al-'Irfān*, Cairo, Maṭba'a 'Isā al-Bābī al-Ḥalabī wa Shurakāh.